


رویکرد منبع‌شناسانه به سیره اهل بیت

مهدی مردانی گلستانی / استادیار پژوهشکده علوم اسلامی رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

mahdi_mardani@islamic-rf.ir  orcid.org/0000-0003-0479-8040

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲

چکیده

شناخت رویکردهای سیره‌پژوهی یکی از آگاهی‌های لازم در حوزه معارف اسلامی است که تأثیر زیادی در میزان بهره‌مندی از سیره اهل بیت دارد؛ زیرا با شناخت این رویکردها می‌توان دیدگاه‌های مرتبط را رصد نمود و زمینه مقایسه آنها را فراهم آورد و امکان رویارویی منطقی با چالش‌های فرارو را مهیا ساخت. یکی از رویکردهای سیره‌پژوهی، رویکرد «منبع‌شناسانه» است. در این رویکرد، سیره به‌مثابه منبع حکم شرعی نگاه می‌گردد و به هدف تبیین آموزه‌های فقهی به‌کار گرفته می‌شود. این مقاله کوشیده است با بررسی آن دسته از متون سیره که به احکام و آموزه‌های فقهی نظر دارد، اولاً به تبیین تاریخی این نگره سیره‌پژوهی بپردازد و ثانیاً، پیامدهای نظری آن را تبیین کند. نتیجه حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد منبع‌شناسانه پنج مرحله (تأسیس، استناد، استنباط، انشعاب و استقلال) را پشت سر گذاشته است و در دو بخش مفهوم و قلمرو اثربخشی دارد.

کلیدواژه‌ها: سیره‌پژوهی، منابع استنباط، سیره نبوی، رهیافت فقهی.

پژوهش‌های مربوط به سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام را که بررسی می‌کنیم، درمی‌یابیم این دست از مطالعات دارای برخی کاستی‌هاست. منقح نبودن دیدگاه صاحبان اندیشه، نوپا بودن برخی از مسائل، و فقدان ادبیات متفاهم علمی به ناسامانی این حوزه پژوهشی دامنه زده است. از سوی دیگر، دغدغه اندیشمندان این عرصه برای تبیین مبادی و مبانی سیره‌پژوهی کافی نیست و ما شاهد پیدایش برداشت‌هایی متفاوت از این موضوع هستیم؛ برداشت‌هایی که نیازمند شناسایی و تبیین است و باید در قالب رویکردهای پژوهشی جانمایی گردد؛ زیرا رویکردهای پژوهشی به مرزبندی اندیشه‌های مختلف کمک می‌کند و جایگاه دیدگاه‌های متعدد را روشن می‌سازد و باورهای پراکنده را به طیف‌های مشخص فکری تبدیل می‌کند.

یکی از رویکردهای مهم در مطالعات سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام، رویکرد «منبع‌شناسانه» است؛ رویکردی که به سیره به‌مثابه منبع استنباط حکم شرعی می‌نگرد و به هدف کشف آموزه‌های فقهی به بررسی سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌پردازد. در این رویکرد، سیره معصوم با محوریت احکام تکلیفی مطالعه می‌شود و به‌منزله منبع تشریح، مستند قرار می‌گیرد. از این‌رو برای نشان دادن سیر تکون و تطور این رویکرد، به بررسی متون و منابعی می‌پردازیم که حاوی آموزه‌های فقهی است و به تبیین احکام شرعی اختصاص دارد. بررسی تبار و ادوار تاریخی رویکرد منبع‌شناسانه و سنجش آثار و پیامدهای آن از مهم‌ترین محورهای پژوهش در این مقاله است.

در این‌باره، پژوهش مستقل و مرتبطی انجام نشده است. تنها برخی محققان معاصر به رویکرد مدنظر توجه نشان داده و برخی ویژگی‌های آن را برشمرده‌اند. برای نمونه به چند نمونه اشاره می‌شود:

کتاب **سیره پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم** (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۴)، نویسنده در مقدمه، ضمن بحث از «قواعد استنباط از سیره نبوی»، به رویکرد فقهی اشاره کرده است.

مقاله «بازکاوی روش فقهی محقق حلی در استناد به سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» (داداش‌نژاد و هاشمی، ۱۳۹۲)، نویسندگان ضمن بررسی مستندات محقق حلی به سیره نبوی، روش فقاهتی وی در استنباط از سیره را ارزیابی کرده‌اند.

مقاله «سیره پویا؛ چالش‌های فراروی عمل به سیره و راه برون‌رفت از آن»، (حسینیان، ۱۳۹۳)، نویسنده تنگناهای فقهی تمسک به سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام را برشمرده است.

مقاله «رویکرد فقهی به سیره نبوی در یک‌صدسال گذشته» (جعفریان، ۱۳۹۱)، نویسنده ضمن تحلیل علل اهتمام محققان جهان اسلام به استفاده فقهی از سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به برخی از چالش‌های پیش‌رو اشاره کرده است.

– کتاب **داده‌های تاریخی در فرایند استنباط فقهی** (کرمانی کجور، ۱۴۰۰)؛ و کتاب **بهره‌مندی فقه از تاریخ** (صادقی کاشانی، ۱۴۰۱)، به تبیین رابطه دو دانش تاریخ و فقه پرداخته‌اند.

لیکن هیچ‌یک از آثار یادشده به‌صورت روشمند و متمرکز به بررسی رویکرد منبع‌شناسانه نپرداخته و تبار و پیامد این رویکرد را در مطالعات سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام بررسی نکرده است.

۱. مفاهیم تحقیق

۱-۱. سیره

واژه «سیره» به علت هیأت کلمه، اسم مصدر یا مصدر نوعی از «سیر» است که - به ترتیب - به معنای رفتار و نوع رفتن است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۱۹). لیکن بیشتر لغت‌شناسان شکل دوم را ترجیح داده و «سیره» را به معنای نوع رفتن دانسته‌اند (ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص ۵۷۱؛ ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۸۹؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۱۹).

این واژه به خاطر ماده کلمه، دو استعمال حقیقی و مجازی دارد که در حالت اول، به معنای رفتن، حرکت کردن و راندن است (ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص ۵۷۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۱۹) و در حالت دوم، معنای هیأت، سنت، حالت و عادت را می‌رساند (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۹۱؛ صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۴۷۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۱۹).

همچنین بر پایه دیدگاه برخی از صاحبان معاجم، بن معنایی «سیره» بر استمرار دلالت دارد و واژه «سیر» به معنای جریان است که شب و روز امتداد داشته باشد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۲۰). در نتیجه، کلمه «سیره» دارای دو بخش معنایی است: یکی حرکت و جریان که از ماده کلمه اخذ می‌گردد و دیگری سبک و نوع حرکت که از هیأت کلمه به‌دست می‌آید.

این کلمه در اصطلاحنامه‌های فقهی شیعه حضور چندانی ندارد و جز در موارد اندک، تعریفی برای آن ذکر نشده است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۵۷۳). در عوض، نمود واژه «سیره» در فرهنگنامه‌های اهل سنت پررونق است و به تفصیل آن را بررسی کرده‌اند.

برای نمونه، نسفی (۵۳۷ق) واژه «سیره» را به معنای مغازی دانسته است و همان‌گونه که واژه «مناسک» به امور حج انصراف دارد، «سیره» را به امور جنگ تطبیق داده است (نسفی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۴۳).

همچنین فیومی (۷۷۰ق) در خلال شرح واژگانی «سیره»، به معنای اصطلاحی آن در ادبیات فقه‌ها اشاره کرده و آن را به معنای «مغازی» تعریف کرده است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۲۹).

در این بین، برخی با تأثیرپذیری از دانش اصول فقه، قائل به توسعه مفهومی «سیره» شده و آن را به تداوم روش عملی مردم معنا کرده‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۵۷۳).

۱-۲. فعل

واژه «فعل» در لغت به معنای عمل و کردار است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۵۱۱؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۷۸) و در اصطلاح، به‌حسب دانش‌هایی که در آن استعمال شده، تعاریف متفاوتی یافته است. اما تعاریف ارائه‌شده در انعکاس حقیقت فعل معصوم موفق نبوده و همه ابعاد آن را روشن نساخته است؛ زیرا فعل معصوم گاه مستقیماً و

به منظور القای یک پیام دینی صادر می‌شود (کنش)، و گاه در مواجهه با موقعیتی بیرونی انجام می‌پذیرد (واکنش).
از این رو با مطالعه نمونه‌های رفتاری معصومان علیهم‌السلام می‌توان گفت:

فعل هر گونه کنش و واکنش غیرقولی است که در مواجهه با وقایع جاری زمان ظهور پیدا می‌کند،
خواه مستمر و تکرارپذیر باشد یا مقطعی و دفعی (مردانی گلستانی، ۱۳۹۸، ص ۱۴).

۱-۳. سنت

واژه «سنت» در لغت به معنای جریان یافتن و روان شدن است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۶۰) و در اصطلاح
روایات، در معنای چندی به کار رفته است؛ همچون: عمل مستحب، واجب غیرقرآنی، سبک رفتار و مفهوم مقابل
بدعت (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۳۹).

بر این اساس، «سنت» و «سیره» در خصوصیت «استمرار» اشتراک دارند و در ماهیت و دامنه، اختلاف؛ زیرا
سنت به سبب ماهوی شامل قول، فعل و تقریر معصوم می‌گردد (مظفر، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۳). اما سیره تنها افعال
معصوم را دربر می‌گیرد. از سوی دیگر قلمرو کاربست سنت تنها افعال نبوی است (طباطبایی و حکیم، ۱۳۹۴، ص
۱۵)، ولی سیره نسبت به همه معصومان علیهم‌السلام به کار می‌رود. بنابراین رابطه بین سنت و سیره، «عموم و خصوص من
وجه» است؛ یعنی در برخی مصادیق (افعال پیامبر) جمع می‌شوند و در برخی دیگر (اقوال ائمه) افتراق دارند.

۱-۴. رویکرد

واژه «رویکرد» در لغت عموماً به نگرش، جهت‌گیری و روش برخورد معنا می‌شود و در اصطلاح، در معنای چندی
به کار می‌رود؛ مانند «جهت‌گیری نسبت به یک پدیده از جنبه‌ای خاص» (ملکیان، ۱۳۸۰، ص ۲۷۳)، «انطباق
روشی دسته‌ای از دیدگاه‌ها که از مبادی مشابه برمی‌خیزد و به اهداف مشترک نظر دارد» (میرباقری، ۱۳۹۸، ص
۱۸) و «راه و روشی خاص برای رسیدن به هدفی مشخص» (کهترتی، ۱۳۹۴، ش ۱۶).

همچنین با توجه به خاستگاه آن در زبان انگلیسی در برخی فرهنگنامه‌های انگلیسی به «روشی برای رویارویی
با چیزی» (آکسفورد، ۱۸۸۴) معنا شده است.

از این رو می‌توان گفت: اصطلاح «رویکرد» در تحلیل منطقی، دارای سه مؤلفه «محقق»، «هدف» و «روش»
است؛ یعنی در هر رویکرد، شخصی (الف) برای دستیابی به هدفی (ب) از روشی (ج) بهره می‌گیرد. این ترکیب
برای مثال در رویکرد منبع‌شناسانه اینچنین نشان داده می‌شود: «محقق حلی برای استنباط احکام شرعی، با روش
اجتهادی از سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استفاده می‌کند».

۲. تطور رویکرد منبع‌شناسانه

مطالعه تاریخ و تبار یک اندیشه، جزو بایسته‌های پژوهشی در هر حوزه مطالعاتی است؛ زیرا آگاهی از تاریخ یک
اندیشه، ما را از رخنه‌ها و معایب آن آگاه می‌کند، ابعاد ناپیدای آن را می‌نمایاند، ما را در سنجش آن توانمند می‌سازد

و زمینه طرح آراء جدید را فراهم می‌آورد. از این رو برای شناخت بهتر رویکرد منبع‌شناسانه باید به صورت‌بندی آن پرداخت و سیر تطور آن را در بستر تاریخ رصد نمود.

طرح پرسش‌هایی در این باره که رویکرد مدنظر در چه زمانی پدید آمد (مبدأ)؟ چه فراز و فرودی داشته است (مسیر)؟ و در زمان حال چه وضعیتی دارد (مقصد)؟ از مهم‌ترین مسائل مورد مطالعه در تحلیل تاریخی رویکرد منبع‌شناسانه است.

۲-۱. دوره تأسیس

در دوره حیات پیامبر ﷺ، سیره ایشان به‌مثابه منبع اخذ احکام شرعی معرفی می‌شود؛ چنان‌که وقتی رسول خدا ﷺ در تشریح آموزه نماز، به رفتار خود ارجاع می‌دهند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۹۸) و یا برای تبیین احکام حج، مسلمانان را به پیروی از عمل خویش فرامی‌خوانند: «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ» (همان، ص ۲۱۵)، درحقیقت، به سیره به‌مثابه منبع شناخت آموزه‌های فقهی اعتبار می‌بخشند. ایشان همچنین در حدیثی دیگر، سیره خود را منبع تشخیص حلال و حرام الهی معرفی می‌کنند و با ترسیم جایگاه مستقل برای سیره، بر حجیت آن به‌منزله منبع کشف آموزه‌های فقهی صحه می‌گذارند (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۵۲).

۲-۲. دوره استناد

در دوره امامان معصوم ﷺ (۱۱-۲۶۰ق) عمده استفاده فقهی از سیره معصوم ﷺ به‌صورت استناد بود و ائمه اطهار ﷺ با ارجاع مخاطبان خود به افعال پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ به تبیین احکام شرعی می‌پرداختند. نمونه این دست‌متون را می‌توان در احادیث ذیل دنبال کرد:

محمد بن مسلم از امام باقر ﷺ درباره چگونگی سیره امام نسبت به سرزمینی که بعد از رسول خدا ﷺ فتح شود، پرسید. امام باقر ﷺ در پاسخ فرمودند: «امیرالمؤمنین ﷺ نسبت به اهل عراق با سیره‌ای سلوک کردند و او امام دیگر سرزمین‌هاست» (یعنی همان سیره برای دیگر سرزمین‌ها نیز ملاک عمل خواهد بود) (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۳). نمونه دیگر روایت معاویه بن عمار است که از امام صادق ﷺ درباره آب دادن زن حائض به مرد سؤال کرد. حضرت در پاسخ فرمودند: بعضی از همسران رسول خدا ﷺ بر روی دستان ایشان آب می‌ریخت و به ایشان سجاده نماز می‌داد، در حالی که حائض بود (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۱۰).

نمونه سوم روایت/براهیم بن شیبیه از امام جواد ﷺ است. وی نامه‌ای نگاشت و درباره کامل خواندن نماز در مسجدالحرام و مسجدالنبی سؤال کرد. حضرت در پاسخ نوشتند: «رسول خدا ﷺ بسیار نماز خواندن در حرمین را دوست می‌داشتند. پس در آن دو مسجد بسیار نماز بگزار و کامل بخوان» (همان، ج ۴، ص ۵۲۴).

۲-۳. دوره استنباط

در دوره فقه‌های شیعه (۳۲۹-۱۴۰۰ق) رویکرد منبع‌شناسانه به سیره پیامبر ﷺ توسعه یافت و از شیوه «استناد» به «استنباط» تغییر پیدا کرد؛ یعنی فقیهان شیعه تنها به بهره‌گیری از ظاهر متون سیره اکتفا نکردند و به

برداشت حکم شرعی از افعال معصوم دست یازیدند. نمونه این قسم از مواجهه با متون سیره را می‌توان در موارد ذیل پی گرفت:

علامه حلی (۷۲۶ق) در باب «تصاحب اموال اهل بغی» به سیره امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ جمل استناد می‌کند و حکم به عدم جواز اخذ اموال ایشان می‌دهد (حلی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۲۰۴)؛ همچنان که سید مرتضی نیز مرجع فتوای فقها در این مسئله را سیره امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به اهل بصره می‌داند (علم‌الهدی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲۵).

نمونه دیگر فتوای محدث بحرانی (۱۸۶ق) در خصوص جداسازی زکات از اموال مردم است. وی با استناد به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام که نمایندگان خود را به مناطق گوناگون مملکت اسلامی اعزام می‌کردند و در اخذ و انتقال زکات به آنان مأموریت می‌دادند، حکم به جواز می‌دهد (بحرانی، ۱۳۶۳ق، ج ۱۲، ص ۲۲۲). ایشان در مسئله تقسیم شب‌خوابی بین چند همسر نیز به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم استناد کرده و حکم به لزوم اختصاص یک شب برای هر نفر داده است (همان، ج ۲۴، ص ۵۹۳).

نمونه آخر فتوای صاحب *جواهر الکلام* (۱۲۶۶ق) در مسئله محرمانت اعتکاف است. ایشان با استناد به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، لزوم اجتناب معتکف از محرمانت *مُحَرَّم* را نفی کرده و حکم به جواز اموری همچون پوشیدن لباس دوخته، خوردن گوشت شکار و تراشیدن مو داده است (نجفی، ۱۳۶۲ق، ج ۱۷، ص ۲۰۴).

۲-۴. دوره انشعاب

چهارمین دوره از مراحل تطور رویکرد منبع‌شناسانه، دوره‌ای است که در آن مطالعات فقهی به سیره معصومان علیهم السلام به‌مثابه گرایشی مستقل نمود پیدا می‌کند و رویکرد منبع‌شناسانه به سیره، از قالب متن به کالبد کتاب تغییر موقعیت می‌دهد. به‌واقع، نگره فقهی به سیره معصومان علیهم السلام در سطح آثار و مکتوبات دانشمندان ظهور می‌یابد و زمینه پیریزی شاخه جدیدی از مطالعات سیره فراهم می‌گردد؛ گو اینکه فقها و اصولیان شیعه با اختصاص برخی از ابواب و فصول کتاب‌های خود به اصطلاح «سیره»، به این دست مطالعات هویت می‌بخشند و آن را همچون گرایش تازه‌ای از سیره‌پژوهی به رسمیت می‌شناسند.

۲-۴-۱. تسمیه ابواب کتب فقهی (۳۳۰-۵۷۰ق)

یکی از نشانه‌های شکل‌گیری گرایش فقهی سیره‌پژوهی، بهره‌گیری از اصطلاح «سیره» در نامگذاری ابواب کتاب‌های فقهی است. این شیوه که در دیگر دانش‌های اسلامی نیز مدنظر است (رضایی کرمانی و زردینی، ۱۳۸۹)، از یک سو نشان از اهتمام این گروه از اندیشمندان به مطالعات سیره دارد و از سوی دیگر، اثربخشی این اصطلاح دینی در شناخت احکام و آموزه‌های شرعی را نشان می‌دهد. فهرست شماری از کتب و ابواب فقهی شیعه به شرح ذیل است:

۱. *محملین اشعث* (زنده در ۳۱۳ق)، *الجعفریات*، «باب السیره فی الخلیل»؛

۲. سید مرتضی (۴۳۶ق)، *جمل العلم والعمل*، «فصل فی سیره الحج و ترتیب افعاله»؛

۳. ابوالصلاح حلبی (۴۴۷ق)، *الكافی فی الفقه*، «فصل فی سیره الجهاد»؛
۴. ابن البراج (۴۸۱ق)، *المهذب*، «باب سیره الحرب و ما یفعل قبل القتال»؛
۵. شیخ طوسی (۴۶۰ق)، *تهذیب الاحکام*، «کتاب الجهاد و سیره الامام»؛
۶. طبرسی (۵۴۸ق)، *المؤلف من المختلف بین أئمة السلف*، «کتاب السیر»؛
۷. راوندی (۵۷۰ق)، *فقه القرآن*، «باب حکم المحاربین و السیره فیهم».

شایان ذکر است که این شیوه در میان مکتوبات اهل سنت نیز رواج دارد و حتی در نامگذاری کتب فقهی استفاده شده است.

۲-۴-۲. تبیین مسائل اصولی سیره (۴۳۶-۱۲۸۱ق)

نشان دیگر بر شکل‌گیری گرایش فقهی سیره‌پژوهی در این دوره، تبیین مسائل سیره در کتاب‌های اصول فقه است؛ بدین معنا که از زمان سید مرتضی (۴۳۶ق) فصلی در کتاب‌های اصول فقه شیعه باز شد که تا زمان شیخ انصاری (۱۲۸۱ق) ادامه یافت و مسائلی همچون حجیت فعل معصوم، افعال اختصاصی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، و وجوب تأسی به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، تعارض قول و فعل، دلالت فعل معصوم و مانند آن در ذیل عنوان «الافعال» مطرح گردید (مردانی گلستانی، ۱۳۹۸، ص ۳۸).

توجه به مباحث نظری سیره‌پژوهی و پرداخت مستقل به آنها در کتاب‌های اصولی، از شواهدی است که وجود نگاه ویژه به مطالعات فقهی سیره را ثابت می‌کند. برخی از کتب اصولی که به طرح مسائل سیره اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته به قرار ذیل است:

۱. سید مرتضی (۴۳۶ق)، *الذریعة إلى أصول الشریعة*؛
۲. شیخ طوسی (۴۶۰ق)، *العدة فی أصول الفقه*؛
۳. محقق حلی (۷۶ق)، *معارض الأصول*؛
۴. علامه حلی (۷۲۶ق)، *مبادئ الوصول، تهذیب الوصول و نهائة الوصول*؛
۵. شهید ثانی (۹۶۶ق)، *تمهید القواعد*؛
۶. وحید بهبهانی (۱۲۰۵ق)، *الفوائد الحائریه*؛
۷. ملا مهدی نراقی (۱۲۰۹ق)، *تجربید الأصول و انیس المجتهدین*؛
۸. میرزای قمی (۱۲۳۱ق)، *القوانین المحکمه*.

لازم به ذکر است که این سبک نگارش در میان کتاب‌های اصولی اهل سنت نیز رونق داشته و بسیاری از دانشمندان آنها فصلی را به مباحث سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اختصاص داده‌اند.

۵-۲. دوره استقلال

در این دوره که - به‌واقع - وضعیت کنونی رویکرد منبع‌شناسانه به سیره را نشان می‌دهد، نگره یادشده بر مسائل و چالش‌های فقهی سیره تمرکز پیدا می‌کند و عملاً به شاخه مستقلی از مطالعات سیره تبدیل می‌شود؛ زیرا نگارش

کتاب‌هایی با موضوع «استنباط از سیره» (ر.ک: عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۱؛ مردانی گلستانی، ۱۳۹۸)، تدوین پایان‌نامه‌هایی با رویکرد فقیهانه به سیره (ر.ک: امینی، ۱۳۹۷؛ بیگدلی، ۱۳۹۸؛ خادم، ۱۳۹۶؛ فتاحی وانانی، ۱۳۹۹) و تألیف مقالاتی با محوریت آموزه‌های فقهی سیره (اردستانی و مومنی، ۱۳۹۳؛ جعفریان، ۱۳۹۱؛ داداش‌نژاد و هاشمی، ۱۳۹۲). از جمله نشانه‌هایی است که جهت‌گیری بخشی از مطالعات سیره به سمت مباحث فقهی را نشان می‌دهد. البته اصطلاح «فقه السیره» تعبیری دامن‌نظره است که از یک‌سو، به معنای فهم و درک سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام است و از سوی دیگر، در معنای استخراج احکام و آموزه‌های شرعی از سیره به کار می‌رود. آنچه در اینجا مراد است معنای دوم است که نمونه برجسته آن را می‌توان در میراث مکتوب اهل سنت دنبال کرد. کتاب‌هایی که به هدف کشف آموزه‌های فقهی به مطالعه سیره نبوی پرداختند و با عنوان رایج «فقه السیره» نشر یافتند.

۳. پیامد رویکرد منبع‌شناسانه

مطالعه سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام به مثابه منبع شناخت احکام، نتایج و پیامدهایی دارد که موجب تمایز رویکرد منبع‌شناسانه از دیگر رویکردهای سیره‌پژوهی می‌شود. از این رو باید افزود که رویکرد منبع‌شناسانه دو پیامد مهم دارد و نتایج حاصل از آن در دو عرصه مفهوم «سیره» و «قلمرو سیره‌پژوهی» خود را نشان می‌دهد.

۱-۳. مفهوم سیره

یکی از نتایج رویکرد منبع‌شناسانه، دریافت تعریفی ویژه از واژه «سیره» است. تعریفی که در رویکرد منبع‌شناسانه از سیره ارائه داده می‌شود با تعریفی که در دیگر رویکردهای سیره‌پژوهی ارائه می‌گردد، متفاوت است. سیره در رویکرد منبع‌شناسانه، هم‌رديف سنت فعلی و به معنای رفتار مستمر معصوم است (مهریزی و میر، ۱۳۹۳) که برای تبیین آن باید به بررسی استعمال واژه «سیره» در دو سطح کتب و متون فقهی پرداخت. یکی از سطوح کاربردی واژه «سیره» کاربست آن در عناوین ابواب کتب فقهی است. عناوینی که صاحبان آثار برای ابواب کتاب‌های خود برمی‌گزینند، حاوی داده‌ها و اطلاعات ارزشمندی است که در ابعاد گوناگون متن‌شناسی (از جمله مفهوم‌شناسی اصطلاحات) به کار می‌آید.

برای مثال، سید مرتضی برای نمایاندن مضمون فصلی که به بیان سلوک عملی حج می‌پردازد، از واژه «سیره» استفاده کرده و آن را «فصل فی سیره الحج و ترتیب أفعاله» نامیده است (علم‌الهدی، ۱۳۸۷ق، ص ۱۰۷).

ابوالصلاح حلبی (۴۴۷ق) نیز در بیان طریقه جهاد کردن از عنوان «سیره» استفاده کرده و بخشی از کتاب خود را با عبارت «فصل فی سیره الجهاد» نام نهاده است (ابوالصلاح حلبی، بی‌تا، ص ۲۴۷).

همچنین شیخ طوسی (۴۶۰ق) نام بعضی از فصول آثار فقهی خود را «کتاب الجهاد و سیره الإمام» گذاشته و به بیان وظایف شرعی امام معصوم در هنگامه جهاد پرداخته است (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۲۱).

و در نهایت، قطب راوندی (۵۷۳ق) یکی از ابواب کتاب «الجهاد» را «باب حکم المحاربین و السیره فیهم» نامگذاری کرده است (قطب راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۶۵).

از سوی دیگر، کاربست واژه «سیره» در متون فقهی، سطح کاربردی دیگری است که دارای فواید معناشناسانه است. در این خصوص، مطالعه مصادیق مورد استناد فقها، شیوه‌ای است که اطلاعات مفهوم‌شناسانه مهمی را در اختیار قرار می‌دهد. این مصادیق اگرچه به صورت مستقیم در کتب فقهی نیامده است، اما پی‌جویی آنها در منابع دیگر، تا حدی مقصود فقها از مفهوم «سیره» را نشان می‌دهد.

نمونه اول: محقق حلی (۶۷۶ق) برای تعریف «انفال» و تعیین قلمرو آن، به سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استناد کرده است (محقق حلی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۶۳۳). پی‌جویی روایت مدنظر در منابع فقهی و روایی نشان می‌دهد که منظور ایشان از «سیره» فعل مستمر حضرت در اخذ غنائم فاخر و برگزیده بوده است (حلی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۴۴۰).

نمونه دوم: علامه حلی (۷۲۶ق) در مسئله عدم جواز اخذ غنیمت از اموال اهل بغی، به سیره امیرالمؤمنین علیه‌السلام استناد کرده است (حلی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۲۰۴). بررسی مصداق مزبور از سیره حضرت نشان می‌دهد که منظور علامه حلی از «سیره»، سبک رفتاری امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مواجهه با اصحاب جمل بوده است (حلی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۴۲۴).

نمونه سوم: فتوای محدث بحرانی در مسئله کیفیت تقسیم شب‌خوابی بین همسران است. وی با استناد به سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کمترین مقدار خوابیدن نزد همسر را یک شب دانسته است (بحرانی، ۱۳۶۳ق، ج ۲۴، ص ۵۹۳). مطالعه مصداق مدنظر نشان می‌دهد که منظور ایشان از «سیره» رفتار مستمر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تقسیم شب‌خوابی بین همسران بوده است (همان، ج ۲۳، ص ۱۰۹).

نمونه چهارم: دیدگاه صاحب *جواهر الکلام* در خصوص جواز جداسازی زکات از اموال مردم است. ایشان با استناد به سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام قابل به جواز جداسازی اموال توسط مالک شده است (نجفی، ۱۳۶۲ق، ج ۱۵، ص ۴۱۶). مطالعه این مصداق حکایت از آن دارد که منظور از «سیره» رفتار مستمر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام در ارسال عمال و کارگزاران منصوب از طرف ایشان بوده است (بحرانی، ۱۳۶۳ق، ج ۱۲، ص ۲۲۲).

بررسی مستندات یادشده نشان می‌دهد که دو مؤلفه «فعل» و «استمرار» جزو عناصر اصلی مفهوم «سیره» است و این واژه در اصطلاح فقها، به معنای فعلی است که تداوم داشته باشد. در این معنا، اصطلاح «سیره» با تعبیر «سنت» برابری می‌کند و به نحو «رابطه عموم خصوص من وجه» با یکدیگر ارتباط دارند.

۳-۲. قلمرو سیره‌پژوهی

یکی دیگر از پیامدهای رویکرد منبع‌شناسانه، تعیین محدوده و قلمرو سیره‌پژوهی است. کارکرد فقه‌ای سیره اهل بیت علیهم‌السلام دارای دامنه‌ای است که با دیگر رویکردهای سیره‌پژوهی فرق می‌کند. این قلمرو افعال تشریحی معصوم است. بر پایه دیدگاه فقها و اصولیان شیعه، بهره‌گیری منبع‌شناسانه از سیره، تنها در افعال تشریحی ممکن است و زمانی می‌توان از سیره برای شناخت احکام شرعی استفاده کرد که در امور طبیعی صادر نشده باشد. برای نمونه، سید مرتضی وجوب بهره‌گیری از سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را منوط به احراز جهت فعل و بیان حکم شرعی می‌داند (علم‌الهدی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۰۱).

شهید ثانی (۹۶۶ق)، حجیت افعال پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را مشروط به غیر طبیعی بودن آن می‌داند (شهید ثانی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۷).

موسوی قزوینی (۱۳۹۷ق) افعال عبادی را مقابل افعال عادی، و امور شرعیات را در برابر امور طبیعیات قرار می‌دهد (موسوی قزوینی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۴۳۴).

محمدجواد معنیه (۱۴۰۰ق)، با تقسیم افعال معصوم به سه گونه «طبیعی»، «اختصاصی» و «تشریحی»، تنها نوع سوم را که به هدف تبیین مناسک عبادی صادر شده است، بیانگر احکام شرعی می‌شمارد (معنیه، ۱۹۷۵، ص ۲۱).

تأکید بر وجود قید «تشریحی» در کارکرد سیره، تا آنجا پیش رفته که بعضی از بزرگان افعال غیرتشریحی معصوم را از دایره سنت خارج کرده و حجت نشمرده‌اند (میرزای قمی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۳۸).

در این میان، برخی با انتقاد از دیدگاه یادشده، تقسیم «سنت» به دو دسته «طبیعی» و «تشریحی» را غیرموجه دانسته و قائل به تشریحی بودن تمام «سنت» شده‌اند (حکیم، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲۲). البته بر پایه دیدگاه بعضی از

محققان، محدوده افعال تشریحی به‌حسب شئون معصوم تعیین می‌شود و با گونه‌شناسی و طبقه‌بندی شئون معصوم می‌توان افعال تشریحی معصوم را تشخیص داد (ضیائی‌فر، ۱۳۸۲، ص ۵۲۷). برای مثال، اگر افعال معصوم از شأن

تبلیغی، تبیینی و یا تفریحی صادر شده باشد، «تشریحی» خوانده می‌شود و اگر از شأن ارشادی، قضایی و حکومتی صادر شده باشد، «غیرتشریحی» شمرده می‌شود (ضیائی‌فر، ۱۳۹۸، ص ۳۹۹).

این در حالی است که - مثلاً - رویکرد تأسی‌جویانه همه شئون معصوم را دربر می‌گیرد و همه ابعاد زندگانی معصوم جزو قلمرو مطالعات سیره محسوب می‌شود. بر این اساس، دامنه کارآمدی رویکرد

منبع‌شناسانه نسبت به دیگر رویکردهای سیره‌پژوهی کاهش می‌یابد و سهم کمتری در متون سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام خواهد داشت؛ زیرا بر پایه تتبع صورت‌گرفته، تنها بخش کوچکی از متون سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام به

آموزه‌های فقهی اختصاص دارد و بیشتر روایات سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام حاوی آموزه‌هایی نظیر اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، مدیریتی، و نظامی است (ر.ک: محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۹۴).

نتیجه‌گیری

۱. رویکرد منبع‌شناسانه به سیره، بیشتر در حوزه مطالعات فقهی ظهور دارد و غالباً فقهای شیعه از نظرگاه آن به سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌نگرند.

۲. در این رویکرد تلقی غالب فقیهان از سیره، سنت فعلی است و ایشان متونی را که حاوی فعل مستمر معصوم باشد نمونه‌های سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام به شمار آورده‌اند.

۳. رویکرد منبع‌شناسانه پنج دوره «تأسیس»، «استناد به سیره»، «استنباط از سیره»، «انشعاب‌گرایی فقهی» و «استقلال شاخه فقه السیره» را سپری کرده است.

۴. این رویکرد موجب ارائه تعریفی متفاوت از سیره گردیده و آن را به مفهومی برابر «سنت فعلی» سوق داده است. همچنین تعیین قلمرو سیره‌پژوهی و تحدید آن به افعال تشریحی معصوم از دیگر پیامدهای رویکرد

منبع‌شناسانه است.

منابع

- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، ۱۴۰۳ق، *عوالی النالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، قم، سیدالشهداء.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، ۱۴۲۱ق، *المحکم و المحيط الأعظم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد بن زکریا، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، بی تا، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر.
- ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم، بی تا، *الکافی فی الفقه*، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین.
- اردستانی، فاطمه و عابدین مومنی، ۱۳۹۳، «سنت فعلی پیامبر و جایگاه آن در استنباط حکم از دیدگاه فریقین»، *فقه و اصول*، ش ۹۷، ص ۷۵-۹۵.
- امینی، راضیه، ۱۳۹۷، *تحلیل رویکرد عملی فقیهان امامیه در مواجهه با سنت فعلی*، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- بحرانی، یوسف بن احمد، ۱۳۶۳ق، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- بیگدلی، مصطفی، ۱۳۹۸، *بررسی رویکرد فقیهان امامیه در مواجهه با سیره عملی معصومان*، رساله دکتری، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- جعفریان، رسول، ۱۳۹۱، «رویکرد فقهی به سیره نبوی در یک صد سال گذشته»، *مقالات و رسالات تاریخی*، ش ۱، ص ۶۵۹-۶۷۶.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۴ق، *تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت، دار العلم للملایین.
- حسینیان، حامد، ۱۳۹۳، «سیره پویا؛ چالش های فراروی عمل به سیره و راه برون رفت از آن»، *تاریخ اسلام*، ش ۵۸، ص ۷-۳۷.
- حکیم، محمدتقی، ۱۴۱۸ق، *الأصول العامة للفقه المقارن*، قم، مجمع جهانی اهل بیت.
- حلی، حسن بن یوسف مطهر، ۱۳۷۸، *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی.
- _____، ۱۳۸۸، *تذکرة الفقهاء*، تهران، مکتبه المرتضویه.
- خادم، مهران، ۱۳۹۶، *سیره عملی فقهایی امامیه در مواجهه با سنت فعلی معصومان*، رساله دکتری، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- داداش نژاد، منصور و مرضیه سادات هاشمی، ۱۳۹۲، «روش فقهی محقق حلی در استناد به سیره رسول خدا»، *تاریخ و فرهنگ*، ش ۹۱، ص ۸۹-۱۰۸.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار الشامیة.
- رضایی کرمانی، محمدعلی و احمد زارع زردینی، ۱۳۸۹، «روش نقد و بررسی عنوان کتب و ابواب حدیثی از نگاه علامه محمدتقی شوشتری»، *حدیث پژوهی*، ش ۴، ص ۱۱۳-۱۴۰.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ق، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الکتب.
- صادقی کاشانی، مصطفی، ۱۴۰۱، *بهره مندی فقه از تاریخ*، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۳، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ضیائی، سعید، ۱۳۸۲، *جایگاه مبانی کلامی در اجتهاد*، قم، بوستان کتاب.
- _____، ۱۳۹۸، *فلسفه علم فقه*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- طباطبایی، سیدمحمدکاظم و سیدحسن حکیم، ۱۳۹۴، «مفهوم شناسی و نسبت سنجی دو اصطلاح حدیث و سنت»، *حدیث حوزه*، ش ۱۱، ص ۵-۳۲.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۵، *تهذیب الأحکام*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- عالمزاده نوری، محمد، ۱۳۹۱، *استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- علم الهدی، علی بن حسین، ۱۳۷۶، *التریعة إلى أصول الشریعة*، تهران، دانشگاه تهران.

____، ۱۳۸۷ق، *جمل العلم والعمل*، نجف اشرف، مطبعة الآداب.

____، ۱۴۱۷ق، *مسائل الناصریات*، تهران، رابطه الثقافة و العلاقات الاسلامیه.

فتاحی وانانی، فتاح، ۱۳۹۹، *بررسی رویکرد عملی فقهای امامیه در مواجهه با سنت فعلی*، رساله دکتری، مشهد، دانشگاه فردوسی.

فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، ۱۴۱۵ق، *القاموس المحیط*، بیروت، دار الکتب العلمیه.

فیومی، احمدبن محمد، ۱۴۱۴ق، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم، هجرت.

قطب راوندی، سعیدبن هبة الله، ۱۴۰۵ق، *فقه القرآن*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

کراجکی، محمدبن علی، ۱۴۱۰ق، *کنز الفوائد*، تحقیق عبدالله نعمه، قم، دار الذخائر.

کرمانی کجور، محمد، ۱۴۰۰، *دادهای تاریخی در فرآیند استنباطهای فقهی*، قم، دانشگاه باقرالعلوم. ❁

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۳، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

کهرتری، محسن، ۱۳۹۴، «رویکرد»، در: *دانشنامه پیشگام*، مدخل ش ۱۶، در:

<http://pishgam-pedia.rozblog.com/post/66>

محقق حلّی، جعفر بن حسن، ۱۳۶۴، *المعتبر فی شرح المختصر*، قم، سیدالشهداء. ❁

محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۹۴، *سیره پیامبر خاتم*، قم، دارالحديث.

____، ۱۳۹۷، *شناختنامه حدیث*، قم، دار الحدیث.

مردانی گلستانی، مهدی، ۱۳۹۸، *توسعه استنباط از فعل معصوم*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

مظفر، محمد رضا، بی تا، *اصول الفقه*، قم، اسماعیلیان.

مغنیه، محمدجواد، ۱۹۷۵م، *علم أصول الفقه فی توبه الجدید*، بیروت، دار العلم للمالین.

مکی عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، ۱۳۷۴، *تمهید القواعد*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

ملکیان، مصطفی، ۱۳۸۰، «روش‌شناسی در علوم سیاسی»، *علوم سیاسی*، ش ۱۴، ص ۲۷۳-۲۹۲.

موسوی قزوینی، علی، ۱۴۲۲ق، *تعلیقه علی معالم الأصول*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

مهریزی، مهدی و غلامحسین میر، ۱۳۹۳، «قواعد شناسایی احادیث سیره نزد فریقین»، *پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی*، ش ۱،

ص ۳۳-۵۳.

میرباقری، سیدمحمد مهدی، ۱۳۹۸، *درآمدی بر رویکردهای فقه حکومتی*، قم، تمدن نوین اسلامی.

میرزای قمی، ابوالقاسم، ۱۳۷۸، *قوانین الأصول*، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.

نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۲ق، *جواهر الکلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

نسفی، عمر بن محمد، ۱۴۱۸ق، *طلبة الطلبة فی الاصطلاحات الفقهیه*، بیروت، دار الکتب العلمیه.

هاشمی شاهرودی، سیدمحمد، ۱۳۹۲، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب

اهل بیت. ❁